جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ 5، شمـارهٔ 2، پاییز و زمستان 1392

نقش بحران‌های اجتماعی در ماهیت دولت در دوران پس از صدور فرمان مشروطیت در ایران

طلیعه خادمیان[1*]، فرجاد ناطقی[2]

(تاریخ دریافت: 91/10/5، تاریخ پذیرش: 92/9/12)

چکیده

در این مقاله شکل‌گیری اولین دولت مدرن در ایران در چارچوب تحلیل ساختار و عاملیت مورد بررسی جامعه‌شناختی قرار گرفته است. هر ساختی از کنش‌های پیوستهٔ نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد و زمینه‌ای می‌شود برای کنش‌های آتی؛ از سوی دیگر هر کنشی نیز درون یک ساخت صورت می‌پذیرد که می‌تواند آن ساخت را تداوم بخشد یا ساختارشکنانه به گسست از آن بینجامد. در این مقاله، تأثیر دیالکتیکی یادشده را به‌گونه‌ای واکاوی می‌کنیم که ساختارهای اجتماعی در آستانهٔ کشاکش‌های فرایند تجدد در ایران پس از صدور فرمان مشروطه زمینه‌ساز کنش‌های سیاسی بحران‌آفرینی می‌شود که در نهایت، نیروهای اجتماعی برای غلبه بر آن بحران‌ها به ساختی اقتدارگرایانه از سیاست روی می‌آورند. ساختار نظری این پژوهش با استفاده از نظریهٔ «دولت» برتران بدیع و پی‌یر بیرن‌بوم شکل گرفته است. فرضیهٔ تحقیق عبارت است از: میان بحران‌های اجتماعی و ساختار دولت رابطه وجود دارد. با استفاده از روش تاریخی (اسنادی) داده‌های مربوط به فرضیهٔ تحقیق گردآوری شده و با روش

1. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران‌شمال *T_khademian@iau-tnb.ac.ir
2. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران‌شمال

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

تاریخی- موردی در چارچوب منطق قیاسی- قانونی، داده‌ها مورد تحلیل تبیینـی قـرار گرفتـه است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تراکم بحران‌های اجتماعی در ایران موجب تضـعیف جامعـهٔ مدنی شده و گرایش نیروهای اجتماعی به تمرکز قدرت برای حل بحران‌های جامعه، زمینه‌های سربرآوردن دولت حداکثری در ایران را فراهم کرده است.

واژه‌های کلیدی: بحران‌های اجتماعی، جامعهٔ خودگردان، تمرکز قدرت، بوروکراسی، دولت حداکثری.

1. مقدمه و طرح مسئله

برتران بدیع[1] و پی‌یر بیرن‌بوم[2] با رویکردی وبری- فرهنگی موضوع دولـت مـدرن را بررسـی کرده‌اند. آن‌ها در کتاب ***جامعه‌شناسی دولت*** گفته‌اند:

> تقسیم کار اجتماعی در جوامع امروز بـه‌گونـه‌ای اسـت کـه هـیچ جامعـه‌ای را از داشـتن ساختارهای سیاسی و هماهنگ‌کننده گریزی نیست؛ اما همسانی در همین‌جا تمام می‌شود و جامعه‌شناسی سیاسی به‌محض برخورد با تاریخ یا با داده‌های تجربی باید قبول کند کـه شیوهٔ تمرکزگرایی کاملاً متنوع بوده و به‌گونه‌ای بارز تابع فرهنگ‌ها و مؤلفه‌های دیگر است (بدیع و بیرن‌بوم، 1387: 105).

بنابراین، امروزه می‌توان بین نظـام‌هـای سیاسـی کـه هـم‌زمـان از یـک مرکـز و یـک دولـت برخوردارند (مثل فرانسه)، یا نظام‌هایی که صاحب دولت‌اند اما مرکز ندارند (مثـل ایتالیـا)، یـا مرکز دارند اما دولت به‌معنای دقیق کلمه ندارند (بریتانیای کبیر و ایالات متحده)، یـا نـه مرکـز دارند و نه دولت (مثل سوئیس) تفاوت قائل شد. در دو مورد نخست، دولت با تفاوت‌هایی بـر جامعهٔ مدنی چیره است و سازمان‌دهی آن را در دست دارد. در دو مورد آخر جامعهٔ مـدنی بـه سازمان‌دهی خود می‌پردازد؛ درنتیجه می‌توان بین جـوامعی کـه در آن دولـت سـعی دارد از راه تجهیز خود به یک بوروکراسی قوی به ادارهٔ جامعهٔ مدنی بپردازد و جوامعی که در آن سـازمان جامعهٔ مدنی به‌گونه‌ای است که از ظهور یک دولت قوی و یک بوروکراسی مسلط جلـوگیری می‌کند، فرق گذاشت (همان، 155).

ساخت دولت به‌اشتباه، نتیجهٔ گریزناپذیر توسعهٔ سیاسی تلقی شـده اسـت. سـاخت دولـت علاج بحران‌های خاصی بود که در قرون وسطی سربرآوردند. دولت نه از سرمایه‌داری برآمده،

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

نه از گشایش شبکه‌های تجاری و نه از توسعهٔ صنعت؛ به همین دلیل نمی‌توان به‌گفته برخی، در چارچوب نوسازی اقتصادی آن را تحلیل کرد. فلسفهٔ وجودی دولت در پویایی نوآورانه‌ای است که از منافع خاص آن سرچشمه گرفته است. این نوآوری به‌دلیل تصلب بسیار زیادی که بر جامعهٔ مدنی حاکم بود، به دولت واگذار شده بود و دولت هم به‌دلیل تمایز ساختارها به‌آسانی از عهدهٔ این کار برمی‌آمد (همان، 202).

جوامع «کمترین دولت» قادر خواهند بود بین کارکردهای اجتماعی و سیاسی سازگاری طبیعی به‌وجود آورند که در اینجا کارویژه‌های سیاسی حافظ آزادی‌های فردی و جمعی‌اند؛ درحالی که جوامع «بیشترین دولت» با خطر بی‌ثباتی سیاسی برخاسته از الگوی دولتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این امر احتمالاً نشان‌دهندهٔ توفیقی است که اندکی پیش از این فاشیسم و نازیسم در این جوامع به‌دست آوردند و تصمیم‌هایی را که دولت حقوقی در زمینهٔ آزادی شهروندان اتخاذ کرده بود، لغو کردند (همان، 204).

بدیع و بیرن‌بوم در اثر خود دولت فرانسه را در قالب یک دولت حداکثری این‌گونه توصیف می‌کنند:

> زمانی‌که دولت فرانسه موفق شد به دولت مطلقه تبدیل شود، ظرفیت حفظ این قدرت عالیه را به‌دست آورد؛ ازاین‌رو از هوگ کاپه تا لویی چهاردهم، از انقلاب فرانسه تا ناپلئون سوم و رژیم گلیست، پیوسته کنترل خود را بر جامعهٔ مدنی گسترش داد و به‌عنوان قدرتی مستقل و دستگاهی عریض و طویل اداری قادر شد بر قدرت‌های پیرامونی غلبه یابد (Badie & Birnbaum, 1983: 105).

دولت حداکثری در فرانسه که حاصل مناسبات ویژه میان نیروهای اجتماعی بود، درمقام مدعی نمایندگی منفعت عمومی با پایه‌گذاری پلیس قدرتمند، کنترل مطبوعات، به‌دست گرفتن دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی، اجباری کردن نظام‌وظیفه و گرفتن قدرت از کلیسا با تکیه بر لائیسیته- که براساس آن حق اجرای اصول روشنگری را به خود می‌داد- سیاست‌های مداخله‌گرانه و ارشادی خود را اجرا کرد. همچنین، با گسترش بوروکراسی و تسلط بر دستگاه‌های اداری بر تداوم و استقلال فزاینده‌اش افزود و با دخالت در اقتصاد و انحصار کارویژه‌های نمایندگی کنترل کل زندگی اجتماعی را به‌دست گرفت (بدیع و بیرن‌بوم، 1387: 158- 171). اما در بریتانیای کبیر نظمی برقرار است که طبقات اجتماعی اعم‌از متوسط و اعیان

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

محلی با آن پیوند دارند و با یکدیگر وارد «قرارداد اتحاد» می‌شوند. این روند اثرگذاری متقابـل نیروهای اجتماعی و مداخلهٔ آن‌هـا در امـور مرکـز همـراه بـا مکانیسـم‌هـای نماینـدگی مـانع شکل‌گیری دولت حداکثری شد. بنابراین، از قرن هفدهم میلادی تـا امـروز، دولـت بریتانیـا از کمترین حد توسعه برخوردار بوده است. ازآنجاکه در انگلستان بازار اساسی‌ترین عامل است نه دولت، توسعهٔ سریع سرمایه‌داری و بازار سبب شد جامعـهٔ مـدنی هژمـونی‌اش را حفـظ کنـد؛ ازاین‌رو خودتنظیمی از طریق مدنی، هم به ظهور مکانیسم‌های نمایندگی کمک کرد و هـم بـه ظهور بازار و همهٔ این‌ها وجود دولت حداکثری را غیرضروری کرد. امـا در کشـورهای دیگـر مانند فرانسه و آلمان دولت بازار را سازمان‌دهی می‌کند و تأخیر در پیشرفت و توسعه به‌سـبب تنش میان نیروهای اجتماعی، موجب شکل‌گیری دولت حداکثری شده است تا با اعمال فشـار بتواند توسعه و پیشرفت را محقق کند (همان، 180- 186).

دولت پدیده‌ای مدرن است؛ بنابراین براساس نظریهٔ بدیع و بیرن‌بوم، می‌توان آن را به‌عنـوان راه‌حل بحران‌های هر جامعه‌ای که به‌گونه‌ای با مدرنیته برخورد پیدا کرده است، بررسـی کـرد. بنابراین، اگر جامعه را زمینهٔ عمل دولت درنظر بگیریم، روابط نیروهـای اجتمـاعی در جامعـهٔ مدنی حدود و ماهیت دولت را تعیین می‌کنند. درواقـع، ایـن تعیـین‌کننـدگی مسـتلزم بررسـی دقیق‌تر موضوع در چارچوب دیالکتیک عاملیت و ساختار اسـت؛ زیـرا چگـونگی برخـورد و روابط سیاسی- اجتماعی کنشگران در حوزهٔ عمومی ماهیت دولت را تعین می‌بخشد تا درمقام یک ساخت هماهنگ‌کننده یا مداخله‌گر در حوزهٔ عمومی ظاهر شود. اما نکتهٔ درخـور تأمـل و پرسش‌برانگیز این است که چرا پاره‌ای از جوامع بهتر به سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی خـود می‌پردازند و برخی جوامع دارای دولت حداکثری و برخی دولت حداقلی هسـتند کـه از ایـن دیدگاه، حدود و ماهیت دولت در جوامع مختلف تفاوت‌پذیریِ مسـئله‌وار دارد؛ زیـرا روبـه‌رو بودن با دولت بسیار نهادینه یا مرکزی سیاسی که صرفاً کارش هماهنگی است، عمیقاً متفـاوت است. براساس نظریهٔ بدیع و بیرن‌بوم، نقش نیروهای اجتماعی در کاهش یا تشدید بحران‌هـای موجود در جامعهٔ مدنی موجب می‌شود تا با دولت حداقلی (کمترین دولت) یا دولت حداکثری (بیشترین دولت) روبه‌رو باشیم و هرچه شدت کمشکش در جامعهٔ مدنی بیشتر باشد، سـاخت دولت عریض و طویل‌تر، حوزهٔ مداخله آن گسترده‌تر و تسلط آن بر جامعهٔ مدنی بیشتر خواهد بود. حال می‌توان طرح این مسئله را در ایران به‌منظور شناسایی و تبیین اثرگذاری بحـران‌هـای

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

اجتماعی بر ساختار و ماهیت دولت در زمینهٔ تاریخی- اجتماعی پس از مشروطیت واکاوی کرد.

دهه‌هایی از تاریخ ایران، یعنی از شکست جنگ‌های ایران و روس تا پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی، دوران گسست از سنت سیاسی کهن به‌شمار می‌آید و در این نقطهٔ عطف تاریخی، ایران به‌طور رسمی وارد فرایند تجدد می‌شود. برایند سیاسی این فرایند، ایجاد دولت مدرن در ایران است که نسبت حکومت با سلطنت مطلقه را به‌شکل بازگشت‌ناپذیری دگرگون کرد. باوجود این، شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی کشور زمینه‌ای فراهم آورد تا شکل‌گیری دولت نوپا در پرتابراه تاریخ با چالش‌هایی مواجه شود و در میان امکان‌های متفاوت، درون‌ساختی اقتدارگرایانه از سیاست با ماهیتی حداکثری شکل گیرد. اکنون مسئله این است که چرا پس از جنبش مشروطه‌خواهی امکان چنین ساختی از سیاست امکان‌پذیر شد؛ بنابراین پرسش تحقیق را این‌گونه مطرح می‌کنیم: امکان ساخت دولت مشروطهٔ ایران با ماهیت حداکثری میان تحولات سال‌های پس از صدور فرمان مشروطیت چگونه تبیین‌پذیر است؟

2. تبیین نظری مسئله

برای تبیین نظری مسئله از نظریهٔ دولت بدیع و بیرن‌بوم استفاده کرده‌ایم تا به چارچوب نظری مناسب با مسئله تحقیق و استنتاج فرضیه به‌عنوان راه‌حل نظری مسئله دست یابیم. در تحلیل تبیینی، زمینه‌های اجتماعی- تاریخی اثرگذار در واقعه مطالعه، و با هدایت نظریه تحلیل و علت‌کاوی می‌شود. در سطح تبیین، واقعه در قالب قانون کلی تبیین می‌شود و در این سطح، قاعدهٔ تبیین قیاسی- قانونی به‌کار گرفته می‌شود که در آن قانون علمی نقش محوری دارد (ساعی، 1386: 193).

نظریهٔ بدیع و بیرن‌بوم دولت را راه‌حل بحران پاره‌ای از جوامع در دورهٔ گذار به مدرنیته می‌داند؛ به این ترتیب که هرچه جامعه در حل بحران‌های خود ناتوان‌تر باشد، دولت با قوّت بیشتری وارد صحنه می‌شود و برعکس، در جوامعی که بخش خصوصی یا گروه‌هایی از جامعه توانسته‌اند ادارهٔ جامعه را در دست گیرند، نیاز کمتری به دولت احساس شده است. قانون کلی این نظریهٔ به این شرح است: اگر بحران‌های اجتماعی در جامعهٔ مدنی افزایش یابد، آن‌گاه

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

دولت به‌عنوان راه‌حل بحران‌های جامعه با تجهیز خود به یک بوروکراسی قوی بر جامعهٔ مدنی تسلط می‌یابد.

مبین= شرایط وقوع: پس از صدور فرمان مشروطیت بحران‌های اجتماعی بر جامعـهٔ مـدنی ایران حاکم شد.

متبین= تئورم: برای غلبه بر بحران‌های اجتماعی ایجاد دولت حداکثری در ایران امکان‌پـذیر شد.

حال براساس قانون کلی نظریهٔ بدیع و بیرن‌بوم، می‌توان دستگاه نظری زیر را استخراج کرد:

[(دولت حداکثری) ⊂ (گرایش نیروهای اجتماعی به تمرکز قدرت) ⊂ (تراکم بحران‌های اجتماعی)]

در فرضیه‌سازی، منطق تبیین قیاسی- قانونی حاکم است. رکن این تبیین مکانیزم علّی است. اکنون، فرضیه به‌عنوان راه‌حل نظری مسئله و پاسخ نظری به سؤال علمی از دستگاه نظـری بـه این شرح استنتاج و بیان می‌شود: میان بحران‌هـای اجتمـاعی در دوران مشـروطیت و سـاخت دولت حداکثری در ایران رابطه وجود دارد.

3. چارچوب روش‌شناختی

در این پژوهش، به‌منظور بررسی مسئله، تحقیقی کیفی در سطح تبیـین صـورت گرفتـه اسـت. داده‌های تحقیق، داده‌های کیفی از نوع تاریخی هستند که عبارت‌اند از: داده‌های تجربی ناظربـر وقایع خاص تاریخی که به‌صورت کیفی قابل سنجش و تحلیـل‌انـد. روش گـردآوری شـواهد تجربی در این پژوهش، تاریخی (اسنادی) است. براساس این روش، شـواهد تجربـی لازم بـا رجوع سازمان‌یافته به متن‌ها و اسناد تاریخی گردآوری شده است. این شواهد گردآوری‌شده را نظریهٔ تحقیق تجویز کرده تا فرضیهٔ تحقیق را اثبات یا رد کند.

در این پژوهش، تحلیل تجربی تحلیـل تـاریخی از نـوع تـاریخی- مـوردی اسـت. تحلیـل تاریخی روشی کیفی از نوع تحقیق بدون مزاحمت[3] است که به محققان امکان می‌دهد زنـدگی اجتماعی را از دور بررسی کنند بی‌آنکه در جریان تحقیق در زنـدگی اجتمـاعی اثـر بگذارنـد. در این روش پژوهشگر می‌کوشد نکات ظریفی را از متن‌های تـاریخی اسـتخراج کنـد (ببـی،

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

1381: 641 و 678). در روش تاریخی- موردی، حادثه‌ای خاص درون واحد اجتماعی معینی مطالعه می‌شود. احتمال دارد شواهد نشان دهند نظریهٔ موجود برای پوشش حادثهٔ مورد تحقیق ناکارآمد است یا فقط بخشی از واقعیت با نظریه تطبیق دارد. در این روش، آزمون تئوری (تکرارپذیری تجربه) به‌دست نمی‌آید. در شیوهٔ تحلیل تاریخی- موردی، برای بررسی ادعای تحقیق، نخست شواهد تجربی هریک از مفاهیم به‌طور جداگانه به‌روش تحلیل توصیفی ارائه می‌شود و در مرحلهٔ بعد، مورد استدلال و استنباط قرار می‌گیرد. براساس شیوهٔ تاریخی- موردی، واقعهٔ مورد تحقیق (e) درون واحد تحلیل معینی از طریق سلسله‌حوادثی از نوع C با هدایت نظریهٔ مناسب تبیین می‌شود (ساعی، 1386: 196- 197). در این تحقیق، برای اثبات یا رد فرضیه با مراجعه به مستندات موجود در متون تاریخی، شواهد تاریخی استخراج و با فرضیه انطباق داده می‌شود. اگر شواهد و مستندات تاریخی با فرضیه انطباق داشته باشد، فرضیه اثبات و درصورت عدم انطباق، رد خواهد شد.

4. تحلیل تاریخی

در این بخش، نخست تعریف‌های نظری هریک از مفاهیم دستگاه نظری و سپس شواهد تجربی مربوط به ابعاد مختلف آن مفاهیم بازگو می‌شود.

4- 1. بحران‌های اجتماعی

به مخاطره افتادن و به‌هم خوردن تبادل عمومی و زندگی اجتماعی درنتیجهٔ اختلالات یا مقتضیات پدیدآمده در جزء یا اجزایی از جامعه یا بر اثر ناسازگاری سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، بحران‌های اجتماعی نامیده می‌شود (شایان‌مهر، 1380: 498).

بحران‌های اجتماعی را در سه بعد بحران‌های سیاسی، بحران‌های بین‌المللی و شکاف‌های اجتماعی بررسی می‌کنیم.

4- 1- 1. بحران‌های سیاسی

نخستین جرقه‌های جنبش مردمی علیه استبداد در اردیبهشت 1284ش با بست‌نشینی تجار در زاویهٔ مقدس حضرت عبدالعظیم برای گرفتن خسارت‌های وارده از گمرک شعله‌ور

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

شد. در آذرماه همان سال، هجرت صغری رخ داد که عبارت بود از مهاجرت علما و تجار به حرم حضرت عبدالعظیم در اعتراض به فلک بستن دو تن از تاجران معروف بـه‌دسـت حاکم تهران به‌بهانهٔ گرانـی قنـد. بـا هجـرت کبـری در تیرمـاه 1285 سـومین مرحلـه از اعتراض‌ها شکل گرفت که درپی دستگیری شیخ‌محمد واعظ، سخنران مخـالف دولـت، و به‌دنبال آن کشته‌شدن یکی از طلاب و 22 تن از مردم معترض رخ داد و به مهاجرت علما به قم انجامید. هم‌زمان با این رخدادها، تجار و بزرگان اصناف نیز بست‌نشینی بزرگـی را در سفارت بیلاقی انگلیس به راه انداختند تا اینکه سه هفته پس از آن حکومت مطلقه بـه خواست مردم تن درداد (کرمانی، 1371: 219، 273 و 404). به‌این‌ترتیب، بـا همبسـتگی نیروهای اجتماعی علیه استبداد فرمان مشروطیت در چهاردهم مرداد 1285 صـادر شـد و خواسته‌های مردم مشروعیت قانونی یافت.

همسانی قدرت میان بازیگران اجتماعی سنتی و مدرن که هریک تحول را از دیدگاه و منافع گروهی خود می‌نگریست، موجب عدم پیروزی یکی بـر دیگـری و همچنـین عـدم تعادل سیاسی آنان شد. بازتاب دوگانگی زندگی عقلانی و سنتی در حوزهٔ جامعه، تداخل مشروعیت قانونی و سنتی در حوزهٔ سیاسی بود که به ترکیب نهادهـای سـنتی و عقلانـی درون دولت و به حاکمیت دوگانه در نظام سیاسی جدید انجامید. تعـارض میـان پادشـاه به‌عنوان مقام بازمانده از دوران سنت و پارلمان به‌عنوان نهاد قانونی مـدرن پـس از مـرگ مظفرالدین‌شاه و به تخت نشستن فرزندش، محمدعلی میرزا، منشأ مهم‌ترین و حساس‌ترین بحران‌های سیاسی ایران شد که در اینجا مهـم‌تـرین داده‌هـای تـاریخی مربـوط بـه آن را توصیف می‌کنیم.

الف. واقعهٔ میدان توپخانه

در آذر 1286، مجلس بودجهٔ دربار را از 800هزار تومان در سال بـه 500هـزار تومـان کـاهش داد و ناصرالملک رئیس‌الوزرا نیز تصمیم‌گیری مجلـس را مـلاک کـار خـود قـرار داد. همـین مسئله موجب تیرگی مناسبات محمدعلی‌شاه با مجلس و کابینه شد (عـاقلی، 1387: 40-41). شاه به‌بهانهٔ دخالت مجلس در قوهٔ مجریـه و همچنـین انجمـن‌هـا- کـه مـردم را بـه شـورش تحریک می‌کنند- در بامداد 23 آذر همان سال، با آرایش نظامی در میـدان توپخانـه و توقیـف ناصرالملک و هیئت وزیران، دست به کودتا برد و قصد داشت شـب‌هنگـام رئـیس مجلـس را

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

نیز دستگیر کند (آدمیت، 1387: 222- 223). جماعت میدان توپخانه به خانه‌های روحانیانی مانند شیخ فضل‌الله نوری، میرزا ابوطالب زنجانی، سیدعلی یزدی و دیگر روحانیان مشروعه‌خواه هجوم آوردند و آنان را همراه خود بردند. آنان نیز در منبر مشروطه را نکوهش می‌کردند. در همین روزها بود که شعار «ما دین نبی‌خواهیم، مشروطه نمی‌خواهیم» برسر زبان‌ها افتاد (کسروی، 1382: 525 و 530). با تیراندازی به درِ مجلس تظاهرات همگانی علیه سلطنت اوج گرفت و برخی افراد مسلح خود را برای حمله به پشت کاخ گلستان رساندند. در پشتیبانی از مجلس برخی ولایات نیز برکناری محمدعلی‌شاه را خواستند. در چنین اوضاعی، خطر مستقیماً متوجه سلطنت بود و محمدعلی‌شاه بی‌آنکه کودتایش فرجامی داشته باشد، تسلیم شد (آدمیت، 1387: 229 و 231).

ب. ترور محمدعلی‌شاه

در هشتم اسفند 1286 شاه برای گردش عازم دوشان‌تپه بود که با اصابت دو بمب به اتومبیلش چند تن کشته شدند؛ اما او جان به سلامت برد. سوءقصد به شاه که قرینهٔ نقشهٔ ترور اتابک بود که در شهریورماه به قتل رسید، تصمیمی گروهی از سوی گروه انقلابی اجتماعیون عامیون تهران با مشارکت انجمن آذربایجان بود (همان، 270). کمیتهٔ انقلاب در 26 آذر همان سال تصمیم گرفت برای نجات و سعادت امت و حفظ آزادی و مشروطیت، شاه را به‌قتل برساند (عاقلی، 1387: 43).

ج. به توپ بستن مجلس و آغاز استبداد صغیر

با برهم خوردن محاکمهٔ عاملان سوءقصد- که با کوشش انقلابی‌های تندرو صورت گرفته بود- شدت بحران در فضای سیاسی بالا گرفت و روابط شاه و مجلس تیره‌تر شد. شاه با عزیمت به باغشاه قصد داشت تا قبل از پایان مجلس اول بساط مشروطگی را برچیند؛ بنابراین با اردوکشی شاه، تهران حالت جنگی به خود گرفت (همان، 311). نقشهٔ کودتا در دوم تیر 1287 با حملهٔ نظامی اجرا شد و لیاخوف، فرماندهٔ بریگاد مرکزی قوای قزاق، ساختمان مجلس را با 126 گلوله کوبید (عاقلی، 1387: 51). پس از کودتا، بهبهانی و طباطبایی دستگیر و از باغشاه روانهٔ تبعیدگاه شدند، صوراسرافیل و ملک‌المتکلمین بدون محاکمه اعدام شدند و

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

روح‌القدس زیر شکنجه جان سپرد. سیدجمال واعظ هم پس از فـرار در بروجـرد کشـته شـد. همچنین، بیش از سی تن از آزادی‌خواهان به زنجیر کشیده شدند و عدهٔ زیادی از نمایندگان و روزنامه‌نگاران برای حفظ جانشان به سفارت‌خانه‌ها پناه بردند. از بامـداد روز سـوم تیرمـاه در تهران حکومت نظامی برقرار شد و لیاخوف حاکم نظامی تهران شد. شـاه دسـتخطی صـادر و مجلس شورای ملی را به‌مدت سه ماه تعطیل کرد. با برقراری استبداد صغیر، انجمن‌هـا منحـل، مطبوعات توقیف و سخنرانی‌های سیاسی تعطیل شد (آدمیت، 1387: 342- 343).

د. جنگ داخلی و برکناری محمدعلی‌شاه

پس از برقراری استبداد صغیر مثلث تبریز، گیلان و اصفهان به کانون مقاومت دربرابر اسـتبداد مبدل شد. محمدعلی‌شاه پس از گلوله‌باران مجلس، قصد داشت انجمن و مجاهدان تبریز را که در رأس این مثلث بود، درهم کوبد؛ اما ستارخان و باقرخان رهبری مجاهدان را در دست گرفتند و مقاومت تبریز به هستهٔ اصلی بازگرداندن مشروطیت در ایران تبدیل شد (ر.ک: کسروی، 1382: 701- 934). از سوی دیگر، با پیوستن سوسیال دموکرات‌های قفقاز به مجاهدان گیلان و تشکیل «کمیتهٔ ستار» و همچنین قوای بختیاری در اصفهان از شمال و جنوب برای فتح تهران حرکـت کردند. با پیوستن قوای سردار اسعد، سپهدار تنکابنی، و یپرم‌خان به یکدیگر و درگرفتن نبردی شدید در 23 تیر 1288، قوای دولتی شکست خورد و مجاهدان از دروازهٔ بهجت‌آباد وارد تهران شدند. فردای آن روز جنگ میان قوای قزاق به فرماندهی لیاخوف و مجاهدین در شهر تهـران آغاز شد و با تسلیم لیاخوف به‌نفع مشروطه‌خواهان پایان یافت تا اینکـه سـرانجام، سـیزده‌مـاه کشاکش آزادی‌خواهی و خودکامگی پایان یابد (کسروی، 1384: 61- 63). کمیسیون عالی شامل 28نفر از مشروطه‌خواهان تشکیل شد و امور کشور با نظارت آن‌هـا اداره شـد. ایـن کمیسـیون محمدعلی‌شاه را به‌علت پناهندگی زیر بیـرق بیگانـهٔ روس از سـلطنت برکنـار کـرد و فرزنـد سیزده‌ساله‌اش را به پادشاهی برگزید (همان، 65- 70).

4- 1- 2. بحران‌های بین‌المللی

در اوایل قرن نوزدهم، استراتژی سیاسی انگلیس درقبال ایران به‌عنوان منطقهٔ حایل برای حفـظ هندوستان درمقابل دو قدرت روسیه و فرانسه بود و استراتژی روس‌ها دسترسـی بـه آب‌هـای

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

گرم از طریق خلیج‌فارس. بر همین اساس، این دو کشور طی عهدنامه‌های خفت‌بار گلستان، ترکمانچای، پاریس و آخال بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های ایران را جدا کردند. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نفوذ اقتصادی روسیه در ایران بر انگلیس به‌طور چشمگیری پیشی گرفت؛ بنابراین پس از انقلاب مشروطه استراتژی سیاسی آن‌ها نیز تغییر یافت. انگلیس درصدد جلوگیری از گسترش سیطرهٔ روسیه و تضعیف قدرت سلطنت وابسته به روس بود و هدف بلندمدت روس‌ها نیز برای حفظ سهم بزرگ خود از بازار ایران، حمایت از سلطنت قاجار بود. به‌این‌ترتیب، انگلیس از انقلاب مشروطیت ایران هواداری می‌کرد و روس‌ها درصدد نابودی آن برآمدند. رقابت میان دولت‌های روس و انگلیس پس از اعلام مشروطه با ظهور قدرت جدیدی مانند آلمان رنگ‌وبوی تازه‌ای به خود گرفت و منشأ چالش‌برانگیزترین بحران‌های ایران شد که به مهم‌ترین شواهد تاریخی آن اشاره می‌کنیم.

الف. قرارداد 1907

قدرت یافتن آلمان در اروپا و احتمال درگیری‌اش با کشورهای روس و انگلیس موجب شد تا این دو کشور باوجود سیاست‌های متعارض، ادامهٔ رقابت‌ها و بدگمانی‌ها را مخاطره‌آمیز قلمداد کنند. سازش آن‌ها به انعقاد قرارداد 1907 در سن‌پترزبورگ انجامید. طی این معاهده، ایران به دو منطقهٔ نفوذ روس و انگلیس و یک منطقهٔ بی‌طرف تقسیم شد (عاقلی، 1387: 38 و 40). کمتر از دو سال از عقد قرارداد، قشون روس وارد تبریز، خراسان و استرآباد و قشون انگلیس وارد بوشهر، بندرعباس و بندرلنگه شد و عملاً کشور به سه منطقه تقسیم شد.

ب. اولتیماتوم‌های روس و انحلال مجلس دوم

روس‌ها از همان ابتدا با جنبش مشروطیت در ایران مخالفت می‌کردند و همواره درپی بهانه‌ای برای برچیدن آزادی در ایران بودند تا رشتهٔ امور به‌دلخواه آنان پیش رود. با توقیف اموال و املاک شعاع‌السلطنه و صدور اجراییهٔ مورگان شوستر (خزانه‌دار کل)، بهانه به‌دست روس‌ها افتاد که مدعی بودند این املاک درگرو بانک روس است. مجلس که به‌اتفاق آرا دو اولتیماتوم روسیه را مبنی‌بر رفع توقیف املاک و اخراج شوستر رد کرده بود، موجب شد شهرهای رشت و قزوین به‌دست روس‌ها اشغال شود. با تهدید پایتخت، کابینهٔ صمصام‌السلطنه باکمک

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

پیرم‌خان، رئیس نظمیه، مجلس را به تسلیم واداشت (کسروی، 1384: 221- 217). اما با قبول اولتیماتوم ماجرا پایان نیافت و روس‌ها در گیلان، تبریز و مشهد دست به تاراج، کشتار مـردم، تبعید و اعدام آزادی‌خواهان زدند. ازاین‌رو، در دوم دی 1290 ناصرالملک نایب‌السلطنه پیشنهاد کابینه را مبنی‌بر انحلال مجلس به‌دلیل پافشاری در رد اولتیماتوم‌های روسیه و پیامدهای ناگوار آن پذیرفت (همان، 217- 221). در فجایع پیش‌آمده دولت و مردم ایران چشم یاری از دولت انگلیس داشتند؛ اما هم‌زمان دو امپراتوری روس و آلمان در پوتسدام پیمانی بستند که نزدیکـی دو کشور می‌توانست خطری جدی برای انگلیسی‌ها باشـد؛ ازهمـین‌رو آنـان در جلـوگیری از جنایات روس در ایران اقـدامی انجـام ندادنـد (همـان، 193). بـدین‌سـان، انحـلال مجلـس و تهاجمات روس نقطهٔ عطفی بود در تضعیف بیشتر دولت مشروطهٔ ایران.

ج. جنگ جهانی اول

ایران که صحنهٔ رقابت بیگانگان بود، در جنگ بین‌الملل نیز باوجود اعلام بی‌طرفی، به کارزاری برای دولت‌های جنگ‌طلب مبدل شد. با وقوع جنگ و پیوستن برخی عشایر، مجاهدان و قوای ژاندارم به متحدین (آلمان و عثمانی)، انگلیس و روس معاهدهٔ سری 1915 را منعقد کردند که برخلاف معاهدهٔ 1907، در آن به استقلال ایران هیچ اشاره‌ای نشده و کشور به دو منطقه تقسیم شده بود (کدی، 1385: 146). با مهاجرت نمایندگان مجلس اعم‌از دموکرات و اعتدالی به‌سمت قم، مجلس سوم کمتر از یک سال پس از افتتاح از اکثریت افتـاد و تعطیـل شـد. مهـاجران در کرمانشاه دولت دفاع ملی را به نخست‌وزیری نظام‌السلطنه تشکیل دادند. در ایـن زمـان، ایـران عملاً دو دولت داشت: متحدین دولت نظام‌السلطنه را به رسمیت می‌شناختند و متفقـین دولـت تهران را (کسروی، 1384: 536). با اشغال کرمانشاه به‌دست متفقین، کمیتهٔ دفـاع ملـی نیـز در اردیبهشت 1295 منحل شد (همان، 540). جنگ جهانی پس از چهـار سـال و انـدی در آبـان 1297 با شکست آلمان پایان یافت که جز ریختن خون جوانان و ویرانی شهرها در ایران پیامد دیگری نداشت. قحطی، شیوع بیماری تیفوس، ازبین رفتن محصولات کشاورزی و احشام، فقر عمومی و کاهش جمعیت بر اثر مرگ‌ومیر از دیگر نتایج جنگ جهانی اول بود.

4- 1- 3. شکاف‌های اجتماعی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

شکاف‌های اجتماعی از دیگر مصادیق بحران‌های اجتماعی در دوران مشروطیت است. فعال شدن شکاف‌های اجتماعی در این دوران موجب پراکندگی نیروهای اجتماعی و تضعیف جامعهٔ مدنی شد. ازهم‌گسیختگی اجتماعی از قدرت جامعه چنان کاست که نه‌تنها امکان برقراری جامعهٔ خودگردان و خودسازمان‌ده در دوران مشروطیت وجود نداشت؛ بلکه بحرانی بر بحران‌های فزایندهٔ کشور افزوده شد. در این پژوهش، مهم‌ترین وجوه این بعد را بررسی می‌کنیم.

الف. شکاف‌های قومی

رقابت ایلات و عشایر با ایل بختیاری یکی از مهم‌ترین شکاف‌های قومی بود. بختیاری‌ها پس از پیوستن به مشروطه‌خواهان و فتح تهران به قدرت ملی تبدیل شدند و وضعیت خود را بهبود بخشیدند. صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزرا شد، برادرش، سردار اسعد، وزیر داخله شد و دیگر خویشاوندان نیز بر اصفهان و بخش وسیعی از مناطق ایران حکومت می‌کردند. مهم‌تر این است که چند تن از رؤسای ایل بختیاری درازای دریافت 3 درصد از سود شرکت نفت ایران و انگلیس، حفاظت از تأسیسات نفتی شرکت را برعهده گرفته بودند. همین مسائل باعث شد تا بسیاری از ایلات و عشایر ایران مشروطه را مانند پوششی برای سلطهٔ بختیاری‌ها پنداشته، برای جلوگیری از قدرت روبه‌رشد آن‌ها متحد شوند. وزیرمختار انگلیس در گزارش خود به لندن می‌نویسد که قبیلهٔ عرب بنی‌کعب به رهبری شیخ‌خزعل آمادهٔ پیشروی به‌سوی خرمشهر، بلوچ‌ها به‌سوی کرمان، بویراحمدی‌ها به‌سوی بوشهر و قشقایی‌ها همراه با ایل خمسه آمادهٔ پیشروی به‌سوی شیراز بودند. در این میان، رقابت‌های قبیله‌ای در میان شورشیان، دولت مرکزی و بختیاری‌ها را نجات داد. به‌نوشتهٔ وزیرمختار انگلیس، این حوادث که به بسته شدن شاه‌راه‌های مرکزی و جنوبی منجر شد، تجار شیراز را وحشت‌زده کرد و درنتیجه، ضروری بودن دخالت فوری نیروهای انگلیسی را موجب شد تا پس از پیاده شدن در بوشهر به‌سرعت به‌سوی شیراز و اصفهان حرکت کنند. به‌این‌ترتیب، قبیله‌گرایی علاوه‌بر نجات بختیاری‌ها، نواحی جنوبی ایران را نیز به روی بیگانگان گشود (آبراهامیان، 1389: 134- 136).

ترکمن‌ها، شاهسون‌ها و برخی اقوام کرد و لر مخالف مشروطه نیز همواره سواران و تفنگچیان خود را در اختیار محمدعلی‌شاه قرار می‌دادند و کار را بر مشروطه‌خواهان دشوار

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

می‌کردند. آن‌ها با سوءاستفاده از وضع نابسامان تهران از پرداخت مالیات خودداری، روستاهای محلی را غارت، و خطوط ارتباطی را قطع کردنـد؛ همچنـین در تیـر 1290 از محمـدعلی‌شـاه برکنارشده و برادرانش در به‌چنگ آوردن دوبارهٔ تاج و تخت پشتیبانی کردنـد و بـه جنـگ بـا قوای دولتی پرداختند (آبراهامیان، 1389: 134).

ب. شکاف‌های طبقاتی

با استقرار حکومت مشروطه حاکمان و زمین‌داران به مخالفت برخاستند و امنیت داخلی کشور را به مخاطره انداختند. قوام‌الملک، حکمران شیراز، به‌همراه پیروان و فرزنـدانش بـا انجمـن و آزادی‌خواهان شیراز درگیر شد؛ مردان مسلح حاج‌محسن عراقی، ملای زمـین‌دار ولایـت اراک، روستاها را یک‌به‌یک غارت کردند و چهارده تن را به قتل رسـاندند؛ اقبـال‌السـلطنه، حکمـران ماکو، دست به خون مشروطه‌خواهان آلود؛ سیدمحمدباقر متـولی‌باشـی کـه امـلاک موقوفـه و تولیت حرم قم را در دست می‌داشت، عده‌ای را گرد آورد و از ورود آزادی‌خواهان به انجمـن جلوگیری کرد و به مردم ستم روا داشت (آدمیت، 1387: 68؛ کسروی، 1384: 298).

پس از فتح تهران نیز جناح‌بندی‌های سیاسی در قالب دو حزب دموکرات و اعتدالیون شکل گرفت. دموکرات‌ها اغلب از طبقات متوسط مدرن و اعتدالیون از طبقات متوسط سنتی بودنـد. در کشاکش‌های طبقاتی میان دو حزب، برخی روحانیون درپی فتوای آخوند خراسـانی دربـارهٔ اخـراج تقـی‌زاده، نماینـدهٔ دمـوکرات‌هـا، از مجلـس بودنـد؛ امـا درپـی آن، مجاهـدان دسـتهٔ حیدرعمواوغلی به خانهٔ سیدعبدالله بهبهانی هجوم آوردند و او را کشتند. چند تن از مجاهـدان دستهٔ سردار محیی نیز به‌انتقام قتل سید، دو تن از انقلابی‌های دموکرات به‌نام سـیدعبدالرزاق و علی‌محمدخان تربیت را به‌قتل رساندند. به‌این‌ترتیب، کینه‌جـویی‌هـا یکـی از رهبـران مجتهـد جنبش و دو تن از مبارزان با استبداد را از مشروطه ستاند و تقی‌زاده را واداشت تهران را تـرک کند (کسروی، 1384: 119- 120). این درگیری‌ها ادامه داشت تا اینکه کابینهٔ دموکرات‌ها برای خلع سلاح مجاهدان تبریز که از اعتدالیون حمایت می‌کردنـد، واقعـهٔ پـارک اتابـک را بـه راه انداختند که در آن ستارخان مجروح شد و چند تن از مجاهدانش کشته شدند. کابینهٔ اعتدالیون نیز برای کینه‌جویی، حیدر عمواوغلی و رسـول‌زاده را از ایـران اخـراج، و برخـی سـرکردگان مجاهدان دموکرات را تبعید و بازداشت کردند (همان، 124 و 140).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

ج. شکاف‌های عقیدتی

فرقه‌گرایی مذهبی عامل مهم تفرقه در جامعهٔ مدنی و ستیز میان جماعت‌های مختلف در شهرها و محله‌های ایران بوده است؛ از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اختلاف حیدری و نعمتی، شیعی و سنی، و متشرعه و شیخی و کریم‌خانی اشاره کرد.

در روز عاشورای اولین سال استقرار مشروطه، جنگ حیدری و نعمتی در قزوین دو کشته و ده‌ها زخمی برجای گذاشت. نعمتی‌ها از پیروان صوفی معروف شاه‌نعمت‌الله ولی و حیدری‌ها از پیروان صوفی دیگری به‌نام قطب‌الدین حیدر، از نیاکان سلسلهٔ صفوی، بودند و دودستگی میان این دو فرقه در بیشتر شهرهای ایران رواج داشت. هنگام برپایی انجمن ایالتی در اردبیل، این دو در رقابت با یکدیگر دو انجمن پدید آوردند و با هم جنگ و ستیز کردند (کسروی، 1382: 209).

دودستگی شیعی و سنی که از زمان شاه‌اسماعیل صفوی و سلطان‌سلیم عثمانی رنگ‌وبوی سیاسی یافته بود، درنتیجهٔ جنگ‌های پیاپی کینه و دشمنی را صدچندان کرد. نمایش‌های مذهبی شیعیان و دشنام‌گویی به خلفای سه‌گانه در کوچه و بازار توسط عده‌ای معروف به «لعنتچی» در آذربایجان خشم بخش‌های کردنشین را برمی‌انگیخت و آتش کینه را در میان آنان همواره شعله‌ور می‌کرد (همان، 146). کردهای سنی‌مذهب ایل شکاک به سردستگی اسماعیل‌آقا سمیتقو نیز در تاراج روستاهای ارومی و ساوجبلاغ به تحریک عثمانی‌ها، سنی‌ها را ارج می‌نهادند و چون با شیعیان و آسوریان کینه و دشمنی کیشی داشتند، از ریختن خونشان دریغ نمی‌کردند (همان، 454).

اختلاف شیخی و متشرعه نیز شکافی درون مذهب شیعه بود که اکثر شهرهای ایران را دربرگرفته بود. شیخی‌ها پیروان شیخ‌احمد احسایی از مجتهدان عراق بودند که در زمان فتحعلی‌شاه با ترکیب اصول شیعه، صوفیه و فلسفهٔ ملاصدرا، این فرقه را پدید آورد. متشرعه هم از دیگر مجتهدان اصولی بودند که با شیخ‌احمد مخالفت کردند، عقاید او را بدعت و مردود دانستند و او را بی‌دین خواندند. جنگ و خونریزی میان این دو دسته تا سال‌های طولانی ادامه داشت. شاخه‌ای از شیخیه نیز در کرمان و دیگر شهرها به کریم‌خانی شناخته می‌شد که فرازهایی را بر عقاید شیخیه افزوده بود. اگرچه در زمان مشروطیت دیگر میان

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

آن‌ها زدوخوردی نبود، سه دستهٔ شیخی، کریم‌خانی و متشـرعه در شـهرها کـاملاً از هـم جـدا می‌زیستند، با یکدیگر رفت‌وآمد نمی‌کردند، دختر از یکدیگر نمی‌گرفتنـد، مساجدشـان از هـم جدا بود و در منبرها از یکدیگر بدگویی می‌کردند (همان، 147).

4- 2. تمرکز قدرت

لازمهٔ تکوین دولت مقتدر، تمرکز قدرت و ازمیان برداشتن تکثر و پراکندگی گروه‌هـا و منـابع قدرت محلی و نیمه‌مستقل است که به‌وسیلهٔ ارتش مدرن، دستگاه بوروکراسی جدید و تمرکـز منابع مالی امکان‌پذیر می‌شود (بشیریه، 1387: 68 و 71). تمرکز قدرت نیازمند سامان مـالی و اقتصادی برای تأمین هزینه‌های ارتش مدرن و دستگاه‌های بوروکراتیک است تا بتواند به ادغـام مناطق نیمه‌مستقل محلی و سرکوب مخالفان سیاسی بپردازد.

دولت مشروطهٔ ایران پس از اسـتقرار در سـال 1285ش فـراز و فرودهـای فراوانـی را سپری کرد. در طول فترت سه‌ساله پس از انحلال مجلس دوم و فترت شش‌سـاله پـس از تعطیلی مجلس سوم، بی‌کفایتی سیاسی دولت‌مردان و پیامدهای ناشی از جنگ جهانی اول هرج‌ومرج بی‌سابقه‌ای را در کشور حکم‌فرما کرد. در چنین شرایطی و برای خروج از این ورطه، نیروهای اجتماعی به‌اتفاق، به‌سمت تمرکز قدرت گرایش یافتند که طی آن، مقدمات بوروکراتیزه کردن جامعهٔ ایران فراهم شد. در ادامه، شواهد تاریخی مفهوم تمرکز قدرت را بیان می‌کنیم.

4- 2- 1. کودتا

برای رهایی از بلاتکلیفی و هرج‌ومرج موجود اکثر نیروهای سیاسی از شاه و شاهزاده تـا عالم و عامی به فکر کودتا افتادند. مدرس، نصرت‌الدوله فیـروز، مـاژور فضـل‌الله‌خـان از افسران ژاندارمری، احمدشاه به‌کمک قوای قزاق و برخی دموکرات‌ها برای ایجاد حکومتی مقتدر و نیمه‌دیکتاتوری که بتواند وضعیت موجود را تغییر دهد، قصد کودتا داشتند؛ اما با هماهنگی ژنرال آیرون‌ساید و کلنل اسمایس شاخهٔ نظامی کودتا شامل 2 هزار نیروی قزاق به فرماندهی رضاخان از قزوین وارد تهران شد و در سوم اسفند 1299 کابینهٔ کودتایی به

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

ریاست سیدضیاءالدین طباطبایی، مدیر روزنامهٔ ***رعد***، قدرت را به‌دست گرفت (بهار، 1387: 1/ 97- 98).

4- 2- 2. ادغام قوای ژندارمری و قزاق

پس از افتتاح مجلس چهارم، نخستین گام سردارسپه، ادغام قوای مسلح و ایجاد قشون یک‌شکل در قالب ارتش ملی بود که با تحلیل ژاندارمری در قزاقخانه باوجود همهٔ مخالفت‌ها صورت پذیرفت (همان، 171). سردارسپه پلیس جنوب را که انگلیسی‌ها تأسیس کرده بودند، منحل و تعدادی از صاحب‌منصبان آن را وارد قشون کرد (عاقلی، 1387: 163). بدین‌سان، قوای نظامی کشور زیر فرمان سردارسپه متمرکز شد.

4- 2- 3. سرکوب قیام‌های ایالتی و قدرت‌های محلی

سرکوب طغیان امیرمؤید سوادکوهی در مازندران، قیام کلنل محمدتقی‌خان پسیان در خراسان، قیام جنگل به رهبری میرزاکوچک‌خان، قیام ژاندارمری به رهبری ماژور ابوالقاسم لاهوتی در تبریز، طغیان اسماعیل سمیتقو سردستهٔ ایل شکاک، قیام «کمیتهٔ سعادت» به رهبری شیخ‌خزعل و همچنین خلع سلاح ایلات و عشایر تاراجگر شاهسون و اقوام لر و قتل سران این طوایف از اقداماتی بود که قوای نظامی دولت برای جلوگیری از پراکندگی قدرت انجام داد.

4- 2- 4. اصلاح مالیه کشور

از کارهای مهم مجلس چهارم، تصویب لایحهٔ استخدام دکتر میلسپو و همکارانش از آمریکا برای ریاست کل مالیهٔ ایران در مرداد 1301 بود. اساس برنامهٔ او ایجاد نظام کارآمد مالیاتی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بود. بزرگ‌ترین خدمت او به نظام مالیاتی، معرفی نظام اخذ مالیات‌های غیرمستقیم بود. وی برای تنباکو و کبریت مالیات وضع کرد و کنترل شکر و چای را در انحصار دولت درآورد (کدی، 1386: 162). حضور او موجب شد تا امور مالی ایران نسبتاً سروسامان یابد، از اسراف‌کاری جلوگیری و بودجه‌بندی منظمی برقرار شود.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

4- 2- 5. رأی به انقراض قاجاریه

درپی اتحاد حزب اصلاح‌طلب با نظامیان، تمرکزگرایی شدیدی در شرف وقوع بـود. آنـان احـزاب جمهوری‌خواه تجدد و سوسیالیست را در مجلس پـنجم بـه اقلیـت انداختنـد و بـا نزدیـک کـردن سردارسپه و مدرس به یکدیگر از تنش‌های سیاسی کاستند. اما دوگانگی قـدرت میـان احمدشـاه و سردارسپه مانع از پیشـرفت اصـلاحات تجددگرایانـهٔ آنـان بـود. بنـابراین، ابتـدا پیشـنهاد پادشـاهی محمدحسن‌میرزا (ولیعهد) را مطرح کردند که با مخالفـت اقلیـت مجلـس روبـه‌رو شـد؛ امـا عـدم بازگشت احمدشاه- که در خارج از کشور به‌سـر مـی‌بـرد- خیـزش عمـومی علیـه قاجاریـه را در شهرهای ایران برانگیخت که خواستار عزل احمدشاه و سلطنت سردارسپه بودند. در چنین اوضاعی، مجلس ماده‌واحدهٔ انقراض قاجاریه را که با حمایت اصلاح‌طلبان تهیه شده بود، در نهـم آبـان 1304 تصویب کرد و مجلس مؤسسان در آذرماه با اکثریت قاطع مـوادی از قـانون اساسـی را تغییـر داد و واگذاری سلطنت به خاندان پهلوی را تصویب کرد (ر.ک: بهار، 1387: 2/ 175- 354).

4- 3. دولت حداکثری

دولت حداکثری قبل از هرچیز یک سازمان دیوان‌سالاری پیشرفته است کـه بـا نهادینـه‌سـازی نسبی، تداوم و استقلال خود را تضمین می‌کند. دولت برای نهادینه‌سازی‌اش پیوسته به تقویـت بوروکراسی‌های متعدد نظامی و مدنی‌اش می‌پـردازد. دولـت مطلقـه (بـه‌عنـوان اولـین دولـت حداکثری) در فرانسه نهادهایی را به‌وجود آورد که منادی ظهـور همـان دولتـی بودنـد کـه در فرانسه شکل گرفته بود؛ به این گونه که ایالات ازهم پاشید تا خودمختـاری و تعلقـات محلـی ازبین برود و به‌جای آن حوزه‌هایی به‌وجود آمد که صـورت اولیـهٔ دپارتمـان‌هـای آینـده بـود. به‌این‌ترتیب، مکان سیاست بیشتر در قالب شوراهای کنترل‌کننده توسـط دسـتگاه‌هـای دیـوانی دیده می‌شود و جامعهٔ مدنی الگوی حکومتی‌اش را از دولت و دستگاه اداری آن برمی‌گیرد. این دولت همان گونهٔ آرمانی دولت حداکثری است. همین دولت است که در انقـلاب فرانسـه یـا دوران امپراتوری توانست با دخالت در جامعهٔ مدنی، بر استقلالش بیفزاید (بـدیع و بیـرن‌بـوم، 1387: 160- 163). به‌این‌ترتیب، حداکثری شدن دولت به ماهیت آن، حدود، دامنهٔ مداخلـه و

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

نفوذش بازمی‌گردد؛ به عبارت دیگر دولت با گسترش حضور و نفوذ قدرت خود در حوزه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترهٔ مداخله و نقش‌آفرینی‌اش را وسعت می‌بخشد که به این منظور، گسترش دستگاه‌های اداری و توسعهٔ بوروکراسی خود دولت را نیز به‌همراه دارد. در دولت با ماهیت حداکثری، بسیاری از مسائل مردم از آزادی‌های فردی، کار، ازدواج و اوقات فراغت تا مشارکت سیاسی و اقتصاد به دولت بازمی‌گردد. دولت بسته‌به میزان و ژرفای منازعاتی که می‌خواهد در جامعهٔ مدنی حل و فصل کند، علاوه‌بر حوزهٔ سیاسی بر حوزهٔ عمومی و حتی حوزهٔ خصوصی جامعه نیز چیرگی می‌یابد.

در دوران فترت و غیاب مجلس، مهم‌ترین نهاد مشروطیت، پانزده کابینه که ادارهٔ امور را برعهده داشتند، در طول چهارسال و سه‌ماه جابه‌جا شد، بی‌آنکه امور مهمی به‌انجام رسد؛ بنابراین در دوران تمرکز قدرت (از کودتای سوم اسفند 1299 تا تاج‌گذاری رضاشاه در چهارم اردیبهشت 1305)، شرایط برپایی دولت مقتدر فراهم شد. پس از این دوران، دولت حداکثری برای حل بحران‌های اجتماعی و رفع موانع تجدد در ایران استقرار یافت که به مهم‌ترین شواهد تاریخی آن اشاره می‌کنیم.

4- 3- 1. توسعهٔ بوروکراسی

سال‌های سلطنت رضاشاه دوران پی‌ریزی نظامی جدید بود. او به ارتش مدرن به‌عنوان پایهٔ اصلی نظام جدید خود تکیه کرد. بودجهٔ دفاعی سالیانه از سال 1304 تا 1320 بیش از پنج‌برابر شد و قانون سربازگیری اجباری موجب شد امکان کنترل و دسترسی به جمعیت نخست در روستاها، سپس در شهرها و سرانجام در قبایل افزایش یابد (آبراهامیان، 1390: 169). رضاشاه نظام سیاسی جدید را با بوروکراسی نوین دولتی تقویت کرد. او دستگاه دیوانی سنتی را به حکومتی با حدود 90هزار کارمند در ده وزارتخانه تبدیل کرد. تقسیمات کشوری قدیمی که عبارت بود از چند ایالت بزرگ و ولایت‌های کوچک بی‌شمار منسوخ شد و به‌جای آن، وزارت داخله ادارهٔ 11 استان، 49 شهرستان و تعداد زیادی بخش و دهستان را برعهده گرفت. استان‌ها توسط استاندار، شهرستان‌ها توسط فرماندار، بخش‌ها توسط بخشدار و برخی دهستان‌ها به‌وسیلهٔ شورای ویژه انتصابی وزارت داخله اداره می‌شد و برای نخستین‌بار در

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

دوران جدید، دولت مرکزی به شهرهای استانی، شهرستان‌ها و حتی برخی روستاهای بـزرگ دسترسی یافت (همان، 170). با ایجاد دانشگاه تهران در سال 1313 و اعزام سالیانهٔ دانشجویان به اروپا، کارکنان و نیروهای این دستگاه‌های اداری روبه‌گسترش که بدنهٔ دولت جدید را شکل می‌دادند، تأمین می‌شد.

4- 3- 2. سرکوب نهادهای مدنی

رضاشاه با بهره‌گیری از ارتش و بوروکراسی و پشتیبانی دربار نظام سیاسی را کاملاً قبضه کرد. از مجلس ششم تـا سـیزدهم، شـخص شـاه بـا مداخلـه در نتـایج انتخابـات آن را بـه نهـادی بی‌خاصیت تبدیل کرد تا لباس آراسته‌ای بر بدن عریان حکومت نظامی باشـد. رضاشـاه بـرای تضمین قدرتش روزنامه‌های مستقل را تعطیل کرد، مصـونیت پارلمـانی نماینـدگان مجلـس را سلب کرد و حتی احزاب سیاسی را ازبین برد. همچنین، حزب اصلاح‌طلب که در بـه قـدرت رساندن رضاشاه سهم بسزایی داشت، از فعالیت محروم شد؛ حزب تجـدد نخسـت بـه حـزب ایران نو سـپس حـزب ترقـی- کـه براسـاس الگـوی حـزب فاشیسـت موسـولینی و حـزب جمهـوری‌خـواه آتـاتورک بـود- تبـدیل شـد، امـا بـه‌دلیـل ایـن بـدگمانی کـه احساسـات جمهوری‌خواهی خطرناک را می‌پروراند، غیرقانونی شد؛ باشگاه‌هـای حـزب سوسیالیسـت بـه آتش کشیده و منحل شد؛ حزب کمونیست ایران بیشتر از احزاب دیگر به‌وسیلهٔ پلیس سرکوب شـد؛ همـهٔ اتحادیـه‌هـای کـارگری از فعالیـت محـروم، و از سـال 1306- 1312، 156تـن از سازمان‌دهندگان نیروهای کارگری دستگیر شدند (همان، 171- 173).

4- 3- 3. ادغام و همسان‌سازی فرهنگی

یکی از ایدئولوژی‌های دولت حداکثری رضاشاه آرزوی دیرینهٔ تبدیل امپراتوری چندقـومی بـه دولتی واحد با مردمی واحد، یک‌زبان و یک‌فرهنگ بـود. بـه همـین منظـور، اقـدامات نظـامی گذشته علیه ایلات و عشـایر و تضـعیف قـدرت قبایـل از سـر گرفتـه شـد. از سـوی دیگـر، سکولاریزاسیون جامعه در چندین جبهه آغاز شد. هم‌زمان با گسترش مدارس عمـومی شـمار باسوادان فارسی‌زبان دربرابر اقوام دیگر افزایش یافت. در سال 1307 مجلس لباس‌های محلـی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

و سنتی را غیرقانونی اعلام، و افراد را به پوشیدن لباس‌های مدل غربی و کلاه‌پهلوی موظف کرد. دستگاه ایدئولوژیک دولت به تقلید از ماشین تبلیغاتی ایتالیای فاشیست و آلمان نازی، سازمان پرورش افکار برپا کرد تا با استفاده از مجله، کتاب، روزنامه، اعلامیه و برنامه‌های رادیویی آگاهی مردم را افزایش دهد. پس از دیدار رضاشاه از ترکیه در سال 1313، مؤسسات آموزشی به‌ویژه دانشگاه تهران درهای خود را به روی دختران گشود و مهم‌تر اینکه رضاشاه دستور کشف حجاب داد و پوشیدن چادر را ممنوع کرد (همان، 177- 179).

5. ارزیابی فرضیهٔ تحقیق

اکنون باید بررسی کنیم که در سال‌های پس از مشروطیت تا تثبیت دولت رضاشاه، تنش‌های اجتماعی و ساختارهای بحران‌آفرین چه تغییراتی را در گرایش و کنش‌های نیروهای اجتماعی ایجاد کرد و این تغییرات در ساختار و ماهیت دولت چه تأثیری داشته است.

$$\mathbf{c_1 \rightarrow c_2 \rightarrow c_3 \rightarrow c_4 \rightarrow c_5 \rightarrow c_6 \rightarrow e}$$

(c_1): بحران‌های سیاسی ناشی از حاکمیت دوگانه و ترکیب نهادهای سنتی و قانونی در ساختار دولت به کشاکش‌های سیاسی محمدعلی‌شاه و مجلس منجر شد و رخدادهایی مانند کودتا، ترور، به توپ بستن مجلس، استبداد صغیر، فتح تهران و خلع محمدعلی‌شاه را درپی داشت.

(c_2): رقابت دولت‌های روس و انگلیس در ایران با ظهور قدرت جدیدی مانند آلمان شکل تازه‌ای یافت تا سرنوشت مشروطه تحت تأثیر چالش‌برانگیزترین بحران‌ها مانند تقسیم کشور به مناطق نفوذ، ماجرای اولتیماتوم و فترت سه‌سالهٔ مجلس، جنگ جهانی، اشغال، دوپاره‌شدن دولت و فترت شش‌سالهٔ مجلس قرار گیرد که طی آن‌ها ضربهٔ سختی بر پیکر مشروطیت وارد شد.

(c_3): شکاف‌های قومی مانند رقابت ایلات و عشایر ایران با بختیاری‌ها و یورش به مناطق مختلف کشور و اتحاد ترکمن‌ها، شاهسون‌ها و برخی اقوام لر و کرد با محمدعلی‌میرزا و نبرد با مشروطه‌خواهان برای بازگرداندن تاج و تخت به تضعیف هرچه بیشتر جامعهٔ مدنی پس از مشروطیت دامن زد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

(c_4): شکاف‌های طبقاتی بخش دیگری از بحران‌های اجتماعی را تشکیل می‌داد. کارشـکنی و ستم طبقات پیشامدرن زمین‌داران و حاکمان مستبد و همچنین اختلاف میان طبقات متوسـط سنتی و مدرن مشروطه‌خواه که به ترور، خلع سلاح و تبعید طرفین منجر شـد، امکـان برپـایی جامعهٔ مدنی خودگردان و خودسازمان‌ده در ایران را ازبین برد.

(c_5): شکاف‌های عقیدتی میان فرقه‌های مذهبی مانند جنگ حیدری و نعمتی، شیعی و سنی، و شیخیه و متشرعه به بن‌بست عملی در انسـجام و اتحـاد اجتمـاعی و تصـلب هرچـه بیشـتر جامعهٔ مدنی منجر شد.

(c_6): در شرایطی که جامعهٔ مدنی قادر به حل بحران‌های اجتماعی نبود و مجلس، مهم‌ترین نهاد مشروطیت، در فترت به‌سر می‌برد، نیروهای اجتماعی به‌سوی تمرکز قدرت گرایش یافتند و با اقدام به کودتا، تشکیل ارتش ملی، سرکوب قیام‌های محلی، اصلاح و سامان مالیهٔ کشور و پایان دادن به دوگانگی قدرت با خلع قاجاریه، شرایط استقرار دولت مقتدر در ایران را فراهم کردند.

(e): در شرایط تمرکز قدرت، امکان تولد دولت حداکثری، بیشینه و مداخله‌گـر بـرای حـل بحران‌های اجتماعی در ایران فراهم شد. دولت رضاشـاه بـا گسـترش بوروکراسـی، سـرکوب نهادهای مدنی مانند مطبوعات، احزاب و اتحادیه‌های کارگری و رویکرد ادغام‌گرایانـه جهـت همسانی فرهنگی با گسترش زبان فارسی، ممنوعیت لباس‌های محلی و کشف حجاب، فراینـد تجدد در ایران را در قالب ساختاری اقتدارگرایانه از سیاست رقم زد.

به‌این‌ترتیب، ترتیب شواهد تجربی- تاریخی با هدایت نظریهٔ تحقیق نشان مـی‌دهـد تـراکم بحران‌های اجتماعی در ایران پس از صدور فرمـان مشـروطیت و نـاتوانی جامعـه در حـل آن بحران‌ها موجب گرایش نیروهای اجتماعی به‌سوی تمرکز قدرت شده و شرایط ایجـاد دولـت حداکثری برای حل بحران‌های اجتماعی فراهم آمده است. بـا ایـن اسـتدلال، فرضـیهٔ تحقیـق مبنی‌بر وجود رابطه میان بحران‌های اجتمـاعی و ماهیـت دولـت مشـروطه در ایـران اثبـات و چارچوب نظری این تحقیق تأیید می‌شود که در آخرین فرمول‌بندی به شرح زیر است:

[(دولت حداکثری) ⊃ (تمرکـز قـدرت ∧ فقـدان جامعـه خـودگردان) ⊃ (شـکاف‌هـای اجتماعی ∧ بحران‌های بین‌المللی ∧ بحران‌های سیاسی)]

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

6. نتیجه

براساس یافته‌های این تحقیق، جامعهٔ ایران در دورهٔ مشروطه جز زمانی‌که میان نیروهای اجتماعی علیه استبداد مطلقه ائتلاف صورت گرفت و به پیروزی جنبش و سپس غلبه بر استبداد صغیر انجامید، در بیشتر دوره‌ها از حل مشکلات خود عاجز بود. ازاین‌رو، زمانی‌که نیروهای اجتماعی با فقدان اتحاد و انسجام اجتماعی روبه‌رو بودند، در ایجاد ساختار سیاسی هماهنگ با نهادهای مدنی به بن‌بست رسیدند و ناگزیر غلبه بر بحران‌ها را به دولت سپردند. مداخلهٔ سیاسی- نظامی بیگانگان به‌همراه تضاد منافع مشروطه‌خواهان اعم‌از دموکرات و اعتدالی، به فترت نهادهای مشروطگی انجامید و چنان بی‌ثباتی سیاسی‌ای را بر جامعه حاکم کرد که دیگر کنترل آن از دست همگان خارج شد. این بحران‌ها علاوه‌بر تضعیف جامعه، مانع اساسیِ پیشرفت و توسعهٔ کشور و موجب به تأخیر افتادن فرایند تجدد در ایران شده بود. ازاین‌رو، اکثریت قریب به اتفاق گروه‌ها و نیروهای اجتماعی به تمرکز قدرت گرایش یافتند. پس از اینکه نیروهای اجتماعی در دوران تمرکز قدرت تحت فشار شبکهٔ پیچیدهٔ مناسبات قدرت قرار گرفتند، هم‌کنشی سیاسی آنان بازی را به‌گونه‌ای سازمان داد که در میان امکان‌های متفاوت از شکل‌گیری سیاسی، تنها یک دیکتاتوری بوروکراتیک می‌توانست به هرج‌ومرج سیاسی و پراکندگی قدرت پایان دهد. ازاین‌رو، ائتلاف اکثر نیروهای اجتماعی در ایجاد یک دولت مقتدر، زمینهٔ به قدرت رسیدن سردارسپه را فراهم کرد. او با تأسیس دولت حداکثری بر بحران‌های اجتماعی غلبه کرد و به‌کمک آن موفق شد موانع اصلاحات سیاسی- اجتماعی را در فرایند تجدد برچیند.

با توجه به این شواهد، هرچه جامعهٔ مدنی ضعیف‌تر باشد، احتمال سربرآوردن دولت حداکثری در آن بیشتر است؛ اما اگر جامعهٔ مدنی خودگردان، و قادر باشد مشکلاتش را درون خود حل کند، بی‌نیاز از دستگاه‌های اعمال زور دولت، و از طریق نهادهای مدنی و نمایندگی به خودسازمان‌دهی می‌پردازد. چنین جامعه‌ای می‌تواند با وفاداری به یک مرکز سیاسی و دولت حداقلی، از وابستگی نیروهای اجتماعی به دولت بکاهد، گسترش نهادهای بوروکراتیک دولت را کاهش دهد و از سلطهٔ دولت بر جامعهٔ مدنی جلوگیری کند؛ زیرا دست‌یابی به منابع قدرت

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

چنین دولت فربهی خود در بلندمدت به بزرگ‌ترین عامل بحران‌هـا در جامعـه تبـدیل خواهـد شد. در جنبش مشروطیت ایران کنش‌های سیاسی ساختارشکنانهٔ ائتلاف مشـروطه‌خواهـان بـه گسست از ساختار سیاسی کهن انجامید؛ امـا شـرایط بحـران‌آفـرین و شـدت درگیـری میـان بازیگران قدرت موجب شد تا آنان کنش‌های سیاسی‌شان را به‌گونه‌ای سازمان دهند که در میان امکان‌های متفاوت از ساختار سیاسی، نخستین دولت مدرن در ایران در سـاختی اقتدارگرایانـه با ماهیت حداکثری شکل گیرد و فرایند تجدد در ایران از طریق دولتی تحقق یابد که علاوه‌بـر حوزهٔ سیاسی، در حوزهٔ عمومی و حتی حوزهٔ خصوصی مانند نوع پوشـش، سـبک زنـدگی و زبان و گویش مردم نیز حاکمیت داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. B. Badie
2. P. Birnbaum
3. unobtrusive research

منابع

- آبراهامیان، یرواند (1389). ***ایران بین دو انقلاب***. ترجمهٔ احمد گـل‌محمـدی و محمـدابراهیم فتاحی. چ16. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (1387). ***مجلس اول و بحران آزادی***. چ2. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ببی، اِرل (1381). ***روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری- علمی)***. ترجمـهٔ رضـا فاضـل. تهران: سمت.
- بدیع، برتران و پی‌یر بیرن‌بوم (1387). ***جامعه‌شناسی دولت***. ترجمهٔ احمد نقیـب‌زاده. تهـران: نشر قومس.
- بشیریه، حسین (1387). ***موانع توسعهٔ سیاسی در ایران***. چ6. تهران: گام نو.
- بهار، محمدتقی (1387). ***تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران***. ج1 و 2. تهران: زوار.
- ساعی، علی (1386). ***روش تحقیق در علوم اجتماعی بـا رهیافـت عقلانیـت انتقـادی***. تهـران: سمت.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]

- شایان‌مهر، علیرضا (1380). ***دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی***، ج3. تهران: کیهان.
- عاقلی، باقر (1387). ***روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی***. ج1. چ8. تهران: نشر نامک.
- کدی، نیکی (1386). ***ریشه‌های انقلاب اسلامی***. ترجمهٔ عبدالرحیم گواهی. تهران: نشر علم.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (1371). ***تاریخ بیداری ایرانیان***. چ4. تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (1382). ***تاریخ مشروطهٔ ایران***. تهران: نگاه.
_____ (1384). ***تاریخ هیجده‌سالهٔ آذربایجان***. تهران: نگاه.
- Badie, B. & P. Birnbaum (1983). *The Sociology of the State*. Arthur Goldhammer (Tr.). University of Chicago Press.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-23]